حس حضور، مطلوب ترین برجام ارتباطات انسان با محیط

محمد نقوی‌زاده

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۹/۲۳
تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۹/۲۴

و یافتن ارزش مناسب غفلت و افتراق، قله‌های اعیان در طاعون‌الله؛
و احترام کنی از جهانی که مردم آن از یاد خدا غافل‌اند و به یکدیگر
ستم رو می‌دارند و بر اطاعت خدا به یکدیگر کمک نمی‌کند.
(بهلالله‌ام، ن۹۱)

چکیده

از روژگاران گفتگوی‌ها از آموزش که موضوع برداختن به معرفت شهرآمیز (یا شهر خوب یا شهر قابلیتی و مانند آن) و یا به کرده‌اش، بسیاری از حکایت و مصالح و دیدارهای راه‌داری ممّلکت‌دار
بشر، اقدام به معرفت بهترین‌های برای انسان در زمینه‌های مختلف کرده‌اند؛ یکی از مهم‌ترین این زمینه‌ها بهترین
و مطلوب ترین فضاهای زندگی انسان، اهمیت از شهر یا معماری یک بوده است. بسیاری از حکایت و عرفان و مظاهر از
تعابیر جوی شر آتشی، خانه مطلوب، توتووا، شهر خدا، معماری انسانی و امثله انسانی سخن گفته‌اند. با عانت به
درگویی‌های تاریخی، کالبدی و فن‌آوری و فکری و امکانات در دسترس و شوی زیست، به نظر می‌رسد که به چای سخن
گفتگی از بهترین کالبد معماری، اصلی آن باشد که به بهترین و عالی‌ترین اصل برای معماری، با معماری‌ای
که برای زندگی انسان مناسب و مطلوب باشد، سخن گفته. یکی از کتال معرفت این عالی‌ترین
صفت، ثبات در میان بهترین و یکی نیز ضرورت خواهد داشت. به دنبال پایه این سؤال که بهترین صفت برای معماری
مطلب بیشتر، این سؤال نیز مطرح می‌شود که بهترین حالات چه انسانی می‌تواند باشد؟ مثال‌های و کاوش در
فرهنگ اسلامی ایرانی به چنین بنی‌تواند نشان دهد که بهترین حالات برای انسان، آقایی یا «حس
حضور» (و شبیات این شامل حسن خودآگاهی، حسن یانی، حسن ایمان، حسن مانند و...) است؛ در مقابل
بیست بی‌لاحیوت برای انسان، حال خود مد نظر است که در آن، هر چیز بر اساس می‌شود. نگارش مقاولة
حاضر با آنکه به روش‌های اکتشافی و تحلیلی و قیاسی، سعی کرد تا در مقایسه بهترین صفت برای پیش‌های
که حضارت اخیری برای سعادت و کمال انسان خلق کرد. انسان، به بهترین صفت برای معماری ایرانی (که
اسلامی و همسان انسان) است، دست یافت. با کمالنان که بهترین معادله وابسته الی برای «حس حضور» و «آگاهی»
بیماری و متکاف بودن است؟ به این ترتیب، اصول ترین صفت برای بهترین فضاهای زندگی، تذکردهی، پیاده‌کردن
و غفلت‌داری خواهد بود.

کلیدواژه‌ها
حس حضور، حسن مانند، معماری، ماده، غفلت.

هر چیز را به دست آورده، معمار و علم و اخلاق، داشته‌ایم؛ از اسلام
Dr_mnaghizadeh@yahoo.com
پرسش‌های پژوهش

1. برترین صفت برای مطابقوترین مکان زندگی انسان (مimarی و شهر) کدام است؟
2. مطلوب‌ترین حالت برای انسان چه حالتی است؟
3. مطلوب‌ترین محیط برای زندگی انسان چه گونه است؟

(پس: ۰۶-۱۴)

مقدمه

با علیه به اینکه علیه ترین حالت و مطلوب‌ترین وضعیت برای انسان، حالات آگاهی و هشیاری و بیماری و واقعه و کال و انسان، و با بالکن، زمینه‌ساز وقت و خواب کردن اهل خوشی و گوشوار کردن مردم در قلمرو زندگی فیزیولوژیکی و دینی باشد، مجموعه محتوی و فضای زندگی انسان است، این مجموعه بسیاری از عناصر و اجزای اصلی و مفاهیم و فضاهای مبنا و مامی این انسان نیسته که انسان جهان واقعی نیست. انسان را به اعمال و فضاهای داشته و نزدیکی انسان به مراکز و سطوح و راه را به آن‌ها باندید. ملاحظه می‌شود که انسان توانسته‌اند که سخن خود را انجام دهند و تبدیل کنند. انسان، ایفای نقش، کنن و یا بالکن، انعکاس بیماری و هشیاری و شور و همراه و یک را در غفلت و خجل و یک همراهان، دو خصوصیت صورتی از انسان و یک مالی از انسان، برای ایفا، قرار کردن در موثر شکل قرار گیرد. "کرک" بودن بهترین‌های خلق الیه است: برای نومنه، قرار کردن در موثر، خود را ذکر معرفی می‌کند. (پس: ۲۶-۱۹) مطالب اعلام قرار کردن، پیامبر عظیم‌الثنای اسلام(ص) نیز ذکر اش (غاشیه: ۳۰) و بر انجامش خواهان، نیز توانسته‌اند تبیین و همین‌طور شوی را به آن‌ها باندید. است، به کمک و یادآوری دیدن آن است. و صرف خوان ترین انسان و کل سر و شاخه‌های مربوط به انسان (و همچنین موضوعات و نسبت‌های بیماری و رفتار و سطح‌های انسانی) بیانیت تبدیل‌دهی آن هسته.

از مایه‌های تبادل و گرایش‌های چهارگانه انسان (که عبارتند از: میل به بیماری، حقیقت‌جویی، خیزکاری و زیبادوستی)، حقیقت‌جویی گرایشی انسان که به نظر می‌رسد می‌تواند از عوامل جهت‌دهنده و تعیین خش سه میل درگیر ایفای نقش کند. به میل درک، آگاهی به حقیقت این که عوامل ایفای حس و میل حقیقت‌جویی انسان می‌تواند در زمینه‌های میل به بیماری و درستی و خیزکاری و زیبادوستی بیشتر انسان‌ها را یک‌پایی کند. زمانی که را باید و سازوکار است برستند، خیر و خس حرفه‌ی این رشناسی با خلاصه نیکو گرایند، زیبایی
و همه مراتب آن را بشناسند، آناری زیبا خلق کنند و هنرها و آثارشان نیز عامل ردش و تعالی و کمال انسان گردید.

به این ترتیب، می‌توان گفت که جایگاه «آگاهی» و «علم» و «دانستن»، جایگاه واقعی در جهان و غفلت‌های انسان در این حوزه و هدف و راه‌نماز زندگی او به دست تخواهم آدم مگر به ذکر و یادآوری مداوم و مناسب، یپس به این نکته علیه توجه کیمی چیزی که به عدم تداوم دانای و نادان، زندگی انسان نیز هم‌مان نخواهد بود. (رمز 9)

ارگچه ذکر عمدتاً به معنی «یادآوری» و به تعبیر مروح علائم طبیعی‌ای: حاضر کردن صورتی است که به از ادراک در ذهن حفظ شده، یا نگهداری صورت ظاهر در ادراک است که به پناه نشود (طبیعی‌ای بی‌تا، ۷۴) در اینجا فقط معنای اصلی‌احیا از وضعیت یک قطعه عبارت را با یک هر گونه آگاهی دهنده و هشدار و احساس حضور را نیز شامل می‌شود. اهمیت چگونه‌ای آگاهی دهنده مورت نظر عبارت زید:

- یادآوری و تذکرده‌ای نهاراً چنین است که انسان احساس شده است:
  - برگزه کردن و یادآوری اصول و ارزش‌های فطری انسان;
  - یادآوری و تذکرده‌ای احساس به ساختار‌های جهانی خود;
  - کمک به یادآوری نازاری معنی و روحیه حیات انسان;
- هدایت نازاری قلم‌خوان و فیزیولوژی‌زندگی انسان، و معرک اردن اراضی انسانی و منطقی و معقول آن;
- آموزش و یادآوری اصول و ارزش‌های فرهنگی;
- یادآوری و آموزش ویژگی‌های زندگی جمعی;
- تقویت احساس انسان در محضر الیه;
- بیداری و هشداری انسان.

حس حضور نیز که اتصال با حضور محضر الیه بودن (علیه ۱۳) همراه است، علاوه بر این موضوع، مجموعه تمام حس‌هایی است که انسان با اجاق و اعتیاد «العیوب وجود» در پرتو حضور محضر الیه بودن دارد، این مسئله در مکی‌مکا مفسّری توضیح داده خواهد شد.

**تیعین ادراکی محسوسات**

هر گونه مبانی، ابزاری انسان با هر پیده و هر موضوعی (اعم از عینی و ذهنی) که از طریق نقشگرایی، لمس
دو فضاهای مادی ایرانی
شماره ۳-پاییز و رستابان ۹۱
یا تکیه بر انسانیت انسان به عنوان "چاودار"، و یا به ارزش‌ها و اصول معمولی و الهی (و البته کنترل و هدایت و راهبردی)

غرباً و (آیا) نقش پنهان، و یا آیا احساس حضور «الله‌تای» و یا راه‌های ویژه‌ای دارد.

اگرچه این موضوع اساسی (عنی تاثیرات متقابل انسان و معنویت بی‌کیفیت) از گذشته‌های دور مورد توجه جدی مسلمان و حکما و رهبران جوامع بوده است، همچنین بیشتر از موارد دیگر، در این دوران مورد بررسی و مطالعه علمی (و تجاری) قرار گرفته است. در واقع، این همان جزئی است که در سال‌های اخیر به عنوان روان‌شناسی محتوی در ذکر بیشمار، و هدایت انسان، مورد بررسی و تأکید قرار داده است. (درک: مقاله ۱۳۸) در توضیح این معطل، می‌توان گفت: "همان‌گونه که فرهنگ

با جامعه و ادراک امکان‌هایی مشتق در آن از روش‌های هنری یا فن‌هایی که در مورد آنها و همچنین بر تجربه و انتخاب روش زندگی اش تأثیر دارد، یا به نوعی، شریعت سراسری بوده، آن را از نوع مالی و تهیه کننده صرفه، شخصیتی به سمت مصرف‌گرایی سقوط می‌دهد. شریکی از این اتفاق هر کدام "من" گفته و

نماهنگ‌شناسی نمایش فرهنگ‌گرایی انسان، اهلی را به سمت مبتنی و کنار خودمانی و ریا هم خودمانی و شریکی که به سمت سیله

و سلطة مانند است، انسانیت و معنویت اهلی را به مبنای طلایی و بالعکس، شریک مشتق از عناصر متجانس و معنی و مکانی و اجزای ماهیان و شریک به مبتنی است، مدت را به سمت و حس مدن خداوند. شریک اخذ و

و به‌پیرایه (و) به‌علاوه، اغلب بر این اثبات و نشان و سرور را به اهل خوش تلفین منک ان‌گاه تخت و آلو، عصبیت و طراح و

استرس و سردردی و اضطراب را به مردمانی اطلاع داده و قس اطلاعی.
می‌گذارم، اما نکته مهم و اساسی این است که به دلایلی از جمله اینکه اولاً و وجه فیزیولوژیک و جسمانی انسان و نیازهای آلی قدیمی خود را داشته و عینی و محسوس‌اند؛ و ثانیاً، نقص در تأمین نیازهای انسان سالم (فیزیولوژیک) منجر به مرگ انسان خواهد شد، این ساختار از زندگی به دلیل کمال محسوس بودن، مورد قبول و توجه همگان است. علاوه بر آن، برخی از مکانک فکری یا کسانی، به دلیل نامحسوس بودن دیگر ساختارهای جسم، منکر وجود آنها و به‌ویژه منکر ساختار معنوی و روحانی جسمانی می‌شوند. تنهاکنندگی از کوه و میانکی‌زی و مفکور تعالند در زندگی همانند سایر سازمان‌ها محسوس‌سازد. در این حال این است که انسان پس از مرگ رویانه و معنوی بزرگی جانوران و می‌توان و در غفلت می‌گردد. چنان که گفته شد، آنچه ضیف غفلت است، تمدید بودن است. به این ترتیب، تنهاکنندگی می‌تواند انسان را زندگی جانوری برهرد بنده بعدی.
نمودار 1: نمودار تنبیه رابطه انسان با شهر و نقش "آرکان شهر" و "تماپلاد انسان" در شناخت

"بیانگاه‌های نخورده" در "زندگی عالی انسان"

بدون وارد شدن در توضیح و تفسیر و مقایسه تفکر متفاوتی که در این تابع منطق، که در مواردی دیگر به برخی از آنها اشاره شده است (رک: نقی راک: 1386 و 1388) دو دریافت به ادیان اشاره می‌شود که اولاً به نوعی درون‌دندانی از قبیل اتفاق انقلابی انسانی و همچنین اینکه توجه و تمرکز اصلی این اصل بر انسان که به عنوان ادراک کردن شرط مطرح است، قرار دارد. در واقع، این اصل (تذکردهی) شهر و اجرا

آن مستقل از انسان مطرح نیست و کاملاً به او واپسین است؛ به یکی دیگر، به صورت مستقیم به تأثیر محیط بر انسان متمرکز است؛ ولی هنکا به میان انتخاب تذکردهی مطرح، به‌کل، تذکر و بیتاری انسان به عنوان اصل بنیادی مطرح است. بنابراین ممکن است، می‌توانیم این جمله را به‌طور مثالی نمایش دهیم که به معرفت و بیتاری و هم‌بینی انسان و حمایت انجمن و به طور عمومی تمرکز است. مد نظر می‌باشد، خلاصه آنچه توضیح داده شده در نمودار (1) نشان داده شده است. ممکن است بودن انسان را با حاصل این بیتاری و آگاهی و خودکاری انسان و احساس حضور انسان در محض الیک است. می‌توان

زمن‌های زند انسان و انجام عمل صالح او و عامل وصیون به جهت طبیعی است (نقی: 1387) و آن را به عنوان اصل بیتاری جهت عمل و انسان مطرح کرد. این اصل به دو قسمی تقسیم یافت، با هر دو می‌توان یک انسان را توسط

به هر عمل او موضوعی برای انسان به ارائه می‌آورد. این اصل آگاهی انسان را نسبت به هر عمل به معنی مکان، عالم، جامعه، هستنی و نیز خودش در عالی ترین سطح در پی دارد. به تبع این آگاهی استکه انسان می‌تواند مناسب‌ترین راه‌ها برای جای حیات و فعالیت‌های برگزیده.
ریشه‌ها و علل نیاز انسان به تذکر و حس حضور
اقتصادی، عقل و روح نیاز انسان به تذکر و حس حضور در محیط‌هایی است که او‌ان قبلاً تمایلی جای‌گیری‌هایی داشته‌اند. این است که انسان‌ها به دنبال نشانه‌هایی هستند که به آن‌ها نشان می‌دهند که محیط‌هایی وجود دارد که برای نفوذ و تأثیر داشتن آن‌ها در محیط‌های هستند. این نشانه‌ها می‌تواند حس حضور و حس طبیعت بوده و باعث می‌شوند که به آن‌ها به‌صورت صوتی یا تصویری واکنش نشان دهند. بنابراین، این نشانه‌ها به عنوان یکی از بخش‌های محیط‌زیست برای انسان‌ها بوده و در نهایت به بهبود محیط زیست و بهبود زندگی انسان‌ها کمک می‌کنند.

به علاوه، نشانه‌هایی که انسان‌ها به دنبال آن‌ها هستند شامل حس حضور و حس طبیعت یا حس حضور در محیط‌هایی است که او‌ان قبلاً تمایلی جای‌گیری‌هایی داشته‌اند. این است که انسان‌ها به دنبال نشانه‌هایی هستند که به آن‌ها نشان می‌دهند که محیط‌هایی وجود دارد که برای نفوذ و تأثیر داشتن آن‌ها در محیط‌های هستند. این نشانه‌ها می‌تواند حس حضور و حس طبیعت بوده و باعث می‌شوند که به آن‌ها به‌صورت صوتی یا تصویری واکنش نشان دهند. بنابراین، این نشانه‌ها به عنوان یکی از بخش‌های محیط‌زیست برای انسان‌ها بوده و در نهایت به بهبود محیط زیست و بهبود زندگی انسان‌ها کمک می‌کنند.

به علاوه، نشانه‌هایی که انسان‌ها به دنبال آن‌ها هستند شامل حس حضور و حس طبیعت یا حس حضور در محیط‌هایی است که او‌ان قبلاً تمایلی جای‌گیری‌هایی داشته‌اند. این است که انسان‌ها به دنبال نشانه‌هایی هستند که به آن‌ها نشان می‌دهند که محیط‌هایی وجود دارد که برای نفوذ و تأثیر داشتن آن‌ها در محیط‌های هستند. این نشانه‌ها می‌تواند حس حضور و حس طبیعت بوده و باعث می‌شوند که به آن‌ها به‌صورت صوتی یا تصویری واکنش نشان دهند. بنابراین، این نشانه‌ها به عنوان یکی از بخش‌های محیط‌زیست برای انسان‌ها بوده و در نهایت به بهبود محیط زیست و بهبود زندگی انسان‌ها کمک می‌کنند.
اساساً تا اینکه قرار بوده که طراحی و برنامه‌ریزی و پیدا‌آوردنگان و مدارک مهر و محل‌ زندگی انسان، ضمن آنان را "قرار" و ایجاد حسن تعطیل و توطن در انسان، باید از راه موفقیت به کمک و همکاری با همکاری و اشتراک در حال تولید و توسعه خود انسان، جای می‌گیرد. این نتیجه است که طراحی و برنامه‌ریزی و پیدا‌آوردنگان و مدارک مهر و محل‌ زندگی انسان، ضمن آنان را "قرار" \(108-107\) در واقع، طراحی و برنامه‌ریزی و مدیریت، از طرف سیاست یا کابال شهیر و معماری می‌توانند ویژگی‌های جای مطلق و انسانی را به دست آورند. آن‌ها نیز از افتادگی در وراثت از خود پیگیری می‌نگه دارند.

هر شهر و هر علمی و هر جزئی از آن، باید انسان را اصول و ارزش‌های انسانی و فکری و فرهنگی متذکر گردد و با وسائل و ویژگی‌هایی که در بی‌معنوی و روشنایی را بیش از تذکر به مادی زندگی انسان، اهمیت بخشد. زیرا با توجه به دیدگاه‌های مختلفی، غالباً نتایج به درک انسان به طور غیرطبیعی در پی یافته و ارتباط انسان‌ها با یکدیگر در بی‌معنوی حیات و مزایا و خطرات زندگی انسان بر اساس انسان خود به مزایا و نهایتاً شدید و راه‌نمایی مصرف‌گرایی و مدیریت و طراحی و جوامع انسان‌ها در دنیا و ماده‌های شدید در حالی که در بی‌معنوی، انسان مدولاً نیازمند بازآوری و توجه ارزش‌ها و آوازه کرده.

به بیان دیگر، باید مدل‌زندگی انسان تناها به هدایت و راهنمایی نیازمند است و محتوی بازآوری و تذکر نبست.

و تذکر و تذکر به نشانه‌هایی که در جهت سوی انسان به بی‌معنوی یا کودک، که در این قراری و خود روح در (نحوی) 1369 ص 93 بر خلاف قلمرو مادی زندگی و نیازهای انسان، که نیازمند چیزی است، حاصل انسان می‌باشد. نیازمند تذکر و تذکر به نشانه‌هایی که در جهت سوی انسان به بی‌معنوی یا کودک، که در این قراری و خود روح در (نحوی) 1369 ص 93 بر خلاف قلمرو مادی زندگی و نیازهای انسان، که نیازمند چیزی است، حاصل انسان می‌باشد.

پایان نامه که به حضور بحثی ممکن می‌دارد: "شیطان گفت خدا به جان که خدا کرده‌ایم از نیز در زمان (همه چیز را) در نظر گرفته‌اند از هم‌جز و هم‌جهت و هم‌جهت انسان را در بی‌معنوی و تذکر به نشانه‌هایی که در جهت سوی انسان به بی‌معنوی یا کودک، که در این قراری و خود روح در (نحوی) 1369 ص 93 بر خلاف قلمرو مادی زندگی و نیازهای انسان، که نیازمند چیزی است، حاصل انسان می‌باشد.

پایان نامه که به حضور بحثی ممکن می‌دارد: "شیطان گفت خدا به جان که خدا کرده‌ایم از نیز در زمان (همه چیز را) در نظر گرفته‌اند از هم‌جز و هم‌جهت و هم‌جهت انسان را در بی‌معنوی و تذکر به نشانه‌هایی که در جهت سوی انسان به بی‌معنوی یا کودک، که در این قراری و خود روح در (نحوی) 1369 ص 93 بر خلاف قلمرو مادی زندگی و نیازهای انسان، که نیازمند چیزی است، حاصل انسان می‌باشد. نیازمند تذکر و تذکر به نشانه‌هایی که در جهت سوی انسان به بی‌معنوی یا کودک، که در این قراری و خود روح در (نحوی) 1369 ص 93 بر خلاف قلمرو مادی زندگی و نیازهای انسان، که نیازمند چیزی است، حاصل انسان می‌باشد.

پایان نامه که به حضور بحثی ممکن می‌دارد: "شیطان گفت خدا به جان که خدا کرده‌ایم از نیز در زمان (همه چیز را) در نظر گرفته‌اند از هم‌جز و هم‌جهت و هم‌جهت انسان را در بی‌معنوی و تذکر به نشانه‌هایی که در جهت سوی انسان به بی‌معنوی یا کودک، که در این قراری و خود روح در (نحوی) 1369 ص 93 بر خلاف قلمرو مادی زندگی و نیازهای انسان، که نیازمند چیزی است، حاصل انسان می‌باشد. نیازمند تذکر و تذکر به نشانه‌هایی که در جهت سوی انسان به بی‌معنوی یا کودک، که در این قراری و خود روح در (نحوی) 1369 ص 93 بر خلاف قلمرو مادی زندگی و نیازهای انسان، که نیازمند چیزی است، حاصل انسان می‌باشد.
ارتباط انسان با هسته

در باره ارتباط انسان با هسته و اجزای آن، که از مقولات بسیار ساده انسانی در علوم مختلف است، به ذکر نکاتی بسته می‌شود که با توضیح آن‌ها، نش رابطه‌های مصری از موضوعات و مفاهیم و دیدگاه‌ها انسان و با کیفیت گر در ابتدای بحث وجود یافته گرفته در مورد شکل‌گیری اگزه آن‌ها به جهان خارج قابل ذکر است که علت تعامل و همگی اول نظر بایستی آن‌ها با عنوان مدل‌های شناخته شده و آسانس و زمین مستر و گزینده از قبیل استند، آن‌ها با یک نظریه و روانی، رستح نیز و رشته ناشی‌نشست باشد. انسان نیایی خواهد ساختند یک مقول ساخته که انسان با جهان به دست آورده، توسط یک بی‌پن‌های این روابط از جهان بینی و فرآیند جامعه تبیین و تعریف می‌کند. اجمالی از نوع

این روابط در تفاوت اسلامی سطح ماده‌ای است که ویژگی‌های این روابط انسان با جهان خارج در تفاوت عمیقی با آن قرار دارد. این موضوع در نظر بگیری انسان با جهان خارج یک علت با داشته و در جهت رضا و دستور انجام می‌شود و تأثیر ارتباط نیز با انفجار را از مقول انسان و ادامه‌های را از مقول انسان در آمده است. (سپاس ۶۶: ۵۱) 

شناسایی ویژگی‌ها و نحوه ارتباط انسان با جهان خارج

در توضیح نمودار ۲ می‌توان گفت: انسان چه یک‌چهره‌ای و چه نخواهد، ارتباط مبتنی بر خوشه‌ای شده و در نهایت نیز چهره‌هایی را می‌تواند را با خوشه‌هایی کنک و در حیطه مقول انسان و خزنده مانند و حسن حضور در محض داشته و به تفاوت، دقیقاً چگونگی انسان با جهان خارج یک علت با داشته و در جهت رضا و دستور انجام می‌شود و تأثیر ارتباط نیز با انفجار را از مقول انسان در آمده است. (سپاس ۶۶: ۵۱)

شماره ۲ - پاییز و رستان ۹۱، ۳۵

الف ـ رابطه انسان با خدانوشت

از درجه هم‌جات موجود در هسته و همگی انواع ارتباطات که انسان با آن‌ها برقرار می‌کند، در ابتدای و تصحیح و اصلاح و تقویت رابطه انسان با خدانوشت ممکن و ایفای نقش می‌کند، رابطه مستقیم نیز انسان و خلاقانه
برقیار ایست که وجوه عالی آن را عیانِّیت انسان تبیین می‌کند. (آیین؛ ۱۴۶۳: فجر؛ ۲۷–۰۳ و دارایتی؛ ۶۵)

وضعیت و تبیین رابطه انسان با خون‌داون از چنین جهت‌هایی دارد که این رابطه نتایج چنین همان‌گونه‌ای و روابط انسان با ماده‌الملیمی و طبیعت (پا به عبارتی) عوالق معقول و محسوس را چنین دهد، که فراتر از آن، نوع تغییر به آن ها را نیز ترمیم می‌کند، و از همه این‌ها بالاخره اینکه تبیین کننده سایر روابط انسان با چنان، از جمله رابطه با خوشی و با جامعه و با جسم، تا محتوای مشابه نیز به پیش‌آمده در این حال، می‌تواند که از جمله سایر ارتباطات که انسان با جهان خارج و با خوشی دارد، بالا برسند، این ارتباطات به‌کلی هماهنگ و رویارو و هنوز تاکید می‌کند با «حسن خوشی» و با «حسن ایمان» ارتباطی ناگستنی دارد؛ نهایتاً با یاد دادوم و همچنین باشد، و انسان از آن غافل نمی‌شود: و تاکید باشد جهت‌دهند و هدایت‌کننده، سایر ارتباطات انسان برنده، و به بازگردن، و بازگردن انسان با هستی در فضای ارتباطی با خون‌داون برقرار شود. و این، ارتباط انسان با خون‌داون این است که باشد تبیین کننده ویژگی‌های ارتباطات انسان با هستی باشد. به این ترتیب، آنچه به رابطه انسان و خون‌داون و تبیین و یکدیگر تعیین آن می‌اجامد، مقام جانشینی خون‌داون و صفحه عیادات دادن به هم‌آمیال انسان به‌کلیه و در زمانی که خون‌داون در دست چهار به‌دسته و می‌یابد. (دارایتی؛ ۶۵ و مثلاً؛ ۴۵) مقام جانشینی اقتضای که می‌دانند و اصول و صفات حاکم بر آثار انسان برگرفته از قوانین اصول و حکم حاکم بر عالم وجود و فعل و محقق وی (مشایع) به آنان باشد. بنیاده و هدف اصلی می‌دانند که اعمال منتفی از موانع و تکالیف الیکی، انسان قلمداد شود و در عالم علمی، دانشگاهی توانسته خودشان، قلم برای خدا نتیجه‌ی افتاده می‌شود اگر در همه، آموز، آموز و هدایت اصلی باشد. در درازه رابطه انسان با خون‌داون سبک که در کار و ارزش رابطه‌ی الیکی، آموز و هدف اصلی باشد. و علت رابطه انسان با خون‌داون و لیست و موانع و یکدیگر می‌دانند که همراه با محترم و دوسمتی، (بخش داماد ۱۳۷۵ ص ۶۵) «خرج خون»، (ماده ۳۴ و فرموده است که «محموت» در پی چیزهایی که ما از گردنگر تنگی دیده‌اند، (ق: ۱۶) همه عمر بردنام، سر از آن خمار مستی که هنوز من نیومیده که تو دلم تنستی، (س نعمه، (ب زمان؛ ۳۵۸))

ب- رابطه انسان با خوشی

موضوع رابطه انسان با خوشی از منظرهای متعددی قابل بحث و در آن‌هایی بین‌دیادی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. اولین موضوع آن است که «شناخت خوشی» مقصد همه شناخت‌های دیگر انسان نسبت به این موضوع است، مقام به اینکه همه فعالیت‌های انسان در پاسخ به نیازهای انسان انگیز می‌شود، نیز ضرورت شناخت خوشی را مورد می‌داند. شناخت و رابطه درونی‌ها مضافی‌گری غیرقابل‌پیش‌بینی در این موضوعی شناخت‌ها و جسمانی‌ها با یکدیگر نیز موضوع اساسی است که در زمینه شناخت‌های انسان با خوشی، نقش بین‌دیادی ایفا می‌کند. در درازه، شناخت‌ها این رابطه درونی و وضع جایگاه‌ها را در تبیین نشان و در شناخت‌ها و شویه‌الیکی پاسخگویی به آن‌ها و در هدایت غایالی‌های انسان نقش‌های ایفا می‌کنند. شناخت‌های انسان در این موضوع است؛ و البته، در مقوله رابطه با خوشی، تدیدی و ترکیب و تبیین این است که در این موضوعات، اگرچه دیگران و منابع نیز جایگاه ویژه‌ای دارند، اصلی ترین نقش توصیف خود انسان ایفا می‌شود.

ج- رابطه انسان و اجتماع

در تبیین رابطه انسان با اجتماع، اصول و معیارهای زیر اهمیت دارند: و حکمتی جدید، عادات، آزادی و کنترل اجتماعی، اصنای، تسهیل روابط اجتماعی، ابتکار از اسراف، توزیع عادل آمادگی‌ها، نظارت همگانی، هنر، سیاست و اندیشی؛ که شهر یا کشور و نحوه اجتماعی، از نظرات همگانی، ودیده‌های اجتماعی، ایفا، اصل هم‌گونه که مشترک نمود و موثر سایر اصول و معیارهای اجتماعی، و حکمتی جدید، و اصول و معیارهای اجتماعی مانند اصل موجودی زندگی اجتماعی، و حکمتی جدید، و اصول و معیارهای اجتماعی مانند اصل موجودی زندگی اجتماعی.
در رابطه انسان با محبوبیت مصرف

بحث رابطه انسان با ساخته‌های خوشن نسبت به سایر ت이라ژات، کمی پیچیده‌تر است، زیرا از موقعیت اندیشه

ساخت بینه به ذهن انسان تا نه‌ی طرح و رنگ‌های گردشی مورد اولیه، نحوه ساخت، چگونگی به‌پردازی از آن،

ایجاد ارتباط بین آن طرح با سایر محتوای هم‌تیپی و تغییرات پذیری، آن و اصول و هدف از

ساخت آن، اگری به مواردی و شاید آن‌ها گسترش دارند اینجای مفهومی است که انسان به عنوان خلق‌نامه

اثر مطرح می‌سوزد: انسان تجاوز به طبیعت و امکان ایجاد تیم‌پیش و یعدهای در جامعه وجود دارد و احتمال

امکان انسان است دست محتوی خوشن مورد سیری امکان‌های مطالعه بی‌کاری است که برای

از اصول و موارد بی‌گزینی قرار گیرند که از جمله آنها عبارتند: نظارت، هم‌همگانی محتوی با ویژگی‌های روایی

و جسمی انسان، هم‌همگانی محتوی با طبیعت، عدم نقض تعلل‌های محبوبیت و قس علیه‌ها.

هم‌همگانی محتوی با طبیعت

امکان به دلایل یادگیری، بازماندنی طبیعت و غنی‌بودن طبیعت است. این نیازها در طیف‌گردهای در هر سه زمینه جای

منونی، زندگی روانی و فعالیت‌های مادی آهی یا اثر آنان و چار آناست، از جمله در بعد عنوان، نقش ارتباط با طبیعت و

عناصر طبیعتی به عنوان آب‌ها و نشانه‌ها، نقش تیک و دمای و باد و دیگر به این معنا که در صورت ایجاد زمینه و

امکان تفکر (به عنوان یک سرگرم‌شده انسان‌محیطی) برای انسان و هم‌هنا در صورت فراوان امکان‌های تماس

مذاکوم با طبیعت به همراه آموزش‌های لازم و تقویت امکانات بالقوه انسان‌ها، این تاماس و رابطه گواره توانست

نتیجه‌ای از رابطه انسان با طبیعت، توجه به شکل جالب‌ترین و قدرتی امکان‌ها و منابع به ویران و افزایش,

امکانات جانور که متغیر بوده با این و نمایه انسان‌یک ضرورت است. این زمینه نیز بی‌کاری‌هایی وجود دارد

که یک‌نیاز به غفلت طبیعی به وجود می‌آید (زیستگاه (۳۸) اثرات از لطف‌شناسی و سبک به نسل

امکان‌ها (قلم) (۲۰۰۵)؛ عقد انسان و تبدیل انسان (۲)؛ تعلل: (۳۱) حفظ گونه‌های زیستی (زیست‌نیک) (۶۰)

و قس علیه‌ها. ضمن آنکه تفکر و تدبیر و تأمل در رابطه با زمینه‌های اصلی می‌تواند بوده و عامل عوامل و

تعلل ابست.

قلمروهای اصلی محبوبیت انسان و ارتباطات با جهان

اگرچه واحدهای اصلی (خوشن، اجتماع، طبیعت و محبوبیت مصرف) محتوی هستند که انسان در محیط زندگی خوشن

با آنها ارتباط ملموس دارد، به‌طور معمول به‌صورت دیگر دیده و وجود دارد که به عنوان فضای این ارتباطات ایفای

می‌کند و به‌عنوان ارتباطات محیط‌های انسانی می‌باشد که حفظ و نگهداری و تبدیل به این ارتباطات می‌تواند با

تمام اندیشه و بر اساس عقل‌های جهان بینی خوشن می‌باشد این ارتباطات در طول زمان اتفاق می‌افتد و به این ترتیب

از منابع و ابعاد محتوی در قلمرو اصلی است؛ به عنوان جذاب‌گرایی محتوی می‌شود، بلکه به عنوان کلیت عالمی و

در این دنبال، انسان محو و دیده و در قلمرو اصلی است؛ به عبارت دیگر، این سیستم انسانی احاطه

در قالب دیگر است. (زکر: طبیعت‌محیطی) (۲۷/۱۸۱ ۲۲/۹۱۵)
کرده و فعالیت‌های اولیه در این سه قلمرو و با نظر به تأثیرات آن‌ها انجام می‌شود.

نخست «قلمرو ایجاده» است که عالی‌ترین جلوه آن «فضای ایمان» است که می‌تواند به عنوان برترین و جهان‌آمیزی معنی‌دار قلمرو دوم «قلمرو رضا» است که انسان در آن زندگی می‌کند. موضع زمان و رابطه آن با انسان (که در سطوح آن به اختصار شرک خوافد) یکی از عناصر اصلی مورد بحث بسیاری از دانش‌ها از جمله حکمت، فلسفه، فیزیک، کامپیوتر و سایر دانش‌های بشری است. زمان به عنوان دیگری هر هر محور تاریخ، کشش، حالت و آینده ارتباط دارد و به همین دلیل بر تاثیر از درآمدی اعمال و رفتار در آن‌ها خواهد تأثیر گذاشت. قلمرو سوم، «قلمرو میانکن» است. این قلمرو نیز یکی از عناصر نگه‌دارنده ادبیات انسانی است. قلمرو میانکن، محدودیت‌های فیزیکی است که به صورت عینی و به‌خود خود محسوس و مشهود است، انسان در آن زندگی می‌کند و آثار انسانی در آن به‌طور منصفه به‌وجود می‌آمده و باید به آن توجه کنیم.

به این ترتیب است که هر سه قلمرو، که انسان در آن‌ها می‌:NS انجام می‌دهد، سایر ارتباطات انسان در عالم را نیز که در نوامبر شماره (۲۳) نشان داده شده، احاطه می‌کند و به آن‌ها جهت می‌دهد. بنابراین، نوامبر (۳) را می‌توان به صورت نوامبر (۳) تکمیل کرد.

الف - رابطه انسان با انیش (ایمان)

چنان‌که گفته‌اند، فضای انیش اکنون تعریف کننده محدوده آن و ادراک‌برنگی (این‌ها) جهت‌دهنده و هدایت‌کننده (جهان‌ین) انسان می‌باشد. فضایی است که نیما و خانگ‌مانه به‌طور مقطعی و آتارای انسان است. این فضا، ضمن همه ویژگی‌هایش، تنظیم‌کننده ارتباطات انسان با جهان خارج نیز بی‌بایش و نه تنها تظیم‌کننده این ارتباطات است که جهان خارج و آجزایی از آن (اعم از خوش‌نمایی، جمعه، طبیعت و مفهوم صورتی) را مشخص و تعریف می‌کند. از این فضا و حذف ممکن است نیز «ایمان» است. بنابراین، به‌طور جهان‌ین انسان، ایمان (که عالی‌ترین راه و جهان‌ین) با این‌ها ترتیب انسان، ایمان فضا، علاوه بر تعریف عالی و تنظیم روابط، فضایی است که دو موضوع درگیر مرتبط به خیال انسان، بینی زمان و مکان را نیز تعریف می‌کند.

ب - رابطه انسان با مکان

مکان، قلمروی است که اول‌اول توسط جهان‌ین انسان تعیین می‌شود. این‌ها قلمرو ظهور و بر روی تاریکی و اعمال انسان است. این‌ها یک گروه حضرت خونی انسان و آثار و از جمله شهر و معماری است. برای مثال، منطقه شهری مثلاً آموزشی می‌تواند با تعریف صورتی از آن‌ها به دست انسان می‌رسد. بنابراین، به‌طور تعریف عالی و تنظیم روابط، فضایی است که نیز تعریف می‌کند.

۱ در میان روابط انسان با مکان، مکان نیز همچنین مکان قلمروی است که همه فعالیت‌های ذهنی و عینی انسان و بروز زمانوورها و خلق آثار در آن رخ می‌دهد. زمان را به شیوه‌های گوناگونی می‌توان طبقه‌بندی کرد. یکی به نسل هم آمدن تکمیل‌آمیز زمان مثل


do: نوامبر ۳ ۲۰۴۱ راه‌بندی موضوعی ایرانی شماره ۲ - پاییز و زمستان ۹۱

شماره ۲ – پاییز و زمستان ۹۱

۳۸
حس‌های مرتب با موضوع‌های احاطه کننده انسان

در سطح بیشتر و تحت عنوان «رابطت انسان با هستی»، موضوعات عدیدی و مهمی به اختصار عرفی سانده شد. از ارتباط انسان با ساختارهای سلیمیتی همچنین ارتباطات آیه یا جزئی عالم طبیعی و با خاطره‌ها یا دلیل‌های دلیل‌های انسانی در مقاله، می‌توان به افزایش ارتباطات انسان با دیگر انسان‌ها و اقدام در اعمال و اجرا در ذهن انسان دنده که نکته ایکن و پس از مباحث‌کرد شده، در این قسمت بر افتخار انسان‌ها و تغییرات خودی بیشتری انسانیت یا کلیتی آن به چه جزئی از این موضوع‌ها در نمایندگی هر یک از اهداف انسانی حاصل از ارتباطات در صورتی که تغییرات متأثر از این انسان، بین نیاز محقق و ساختار یا از این انسان در ساختاری که تغییرات دیگر بیشتری به همین دلیل است که پیام‌رسان و کتابیت انسانی همگی، «دکتر» و «بی‌دو» شمرده شدند.

حس‌های مرتب با موضوع‌های احاطه کننده انسان

در سطح بیشتر و تحت عنوان «رابطت انسان با هستی»، موضوعات عدیدی و مهمی به اختصار عرفی سانده شد. از ارتباط انسان با ساختارهای سلیمیتی همچنین ارتباطات آیه یا جزئی عالم طبیعی و با خاطره‌ها یا دلیل‌های دلیل‌های انسانی در مقاله، می‌توان به افزایش ارتباطات انسان با دیگر انسان‌ها و اقدام در اعمال و اجرا در ذهن انسان دنده که نکته ایکن و پس از مباحث‌کرد شده، در این قسمت بر افتخار انسان‌ها و تغییرات خودی بیشتری انسانیت یا کلیتی آن به چه جزئی از این موضوع‌ها در نمایندگی هر یک از اهداف انسانی حاصل از ارتباطات در صورتی که تغییرات متأثر از این انسان، بین نیاز محقق و ساختار یا از این انسان در ساختاری که تغییرات دیگر بیشتری به همین دلیل است که پیام‌رسان و کتابیت انسانی همگی، «دکتر» و «بی‌دو» شمرده شدند.
منطقی و معقول ارتباطات فوق الاعشار است.
 نوع دگر ارتباط انسان با همسر و به عبارت برتری، ترتیب این دو ارتباطی را که در آنها گذشت، در مراحل زیر می‌توان طبقه‌بندی کرد: "آبیان"، "آمان"، "آمان" و "آفتاب". که می‌توان از آنها به عنوان "حس" یا "آمان" این تعبیر بر یکین ارتباطات انسان با طبیعت و محیط مصرف و تنظیم‌ها در طول تاریخ به حسن زمان منجر می‌شد. "حس مکان" می‌توان رابطه انسان با عالم است. "حس آمان" ناشی از ارتباط منطقی صحیح و منطقی انسان با سایر موجودات است. "حس وحدت" به رابطه منطقی و معقول با انسانی که مربوط می‌شود به قسم علیه‌ای. در حقیقت، با ایجاد "شعور ملیکی" عالی‌ترین جلوه این حس‌ها ظاهر می‌شوند (نمونه 3) که ادامه نمونه ۱ نیز هست، نشان دهنده این حس‌ها، مسئله‌ای که با یکدیگر است.

به این ترتیب، اصل‌ترین گام‌ها و جلوه‌ها و فلسفه‌های پاژاور و ت ذکر و خودکاری در دهان انسان را که در مواجهه با شهر مزاحم را به‌معنای خلاصه کرد که توضیح اجمالی آنها به شرح زیر است:

این حس‌ها داشته باشند، این حس به این ترتیب شکل می‌گیرد. ممکن است، که این حس‌ها در دهان انسان را که در مواجهه با شهر مزاحم را به‌معنای خلاصه کرد که توضیح اجمالی آنها به شرح زیر است:

نمونه ۳: نمونه رابطه ذکر (و پاژاور) در حس‌های شکل گذاری به تظهر عالی‌ترین شهر قابل دانستی است.

- حس آبیان

در این قلمب، ارتباط انسان با خدای سبک خوشنی و تغییر نقش‌شود. حس اینم عمداً به رابطه انسان با خودناد سبک خوشنی با تغییر نقش‌شود که از درک ذهنی می‌شود به ارکان خودکاری که از روانی وجود و روشنی انسان و تغییر ذهنی اثرات قرب به افق امور دیوانی را نیز پاپش، موجود و گسترش حس اینم است از آن جهت دارای یافته‌ای است که اولویت موضوعی که

دو مطلب معماري ایرانی
شماره ۳– پاییز و زمستان
۹۱
۴۰
حس زمان

ارتباط انسان با تاریخ (آموزش جامعه و عالم و آثار انسانی در گذشته و حال و آینده) در این قرن قرار می‌گیرد. یکی از موضوعاتی که باید در فکر بیان متفاوت در نگاه‌های هم‌سر و انفرادی از نگاه‌های جدید و افراد قرار دارد، این روند شکافته و توجه به موجوده جدی زمان و تاریخ است. این موضوع موجب که به‌نوعی تاریخی و روشنگری، راه‌سازی عقلی و باورگزاری‌های جدید، مهم‌ترین سویه‌هایی که در پی گذشته‌ها قرار دارد، بوده‌اند.}

حس زمان به رابطه انسان با همه عبارت از اقدامات انسانی از زمان متمرکز است. این حس می‌تواند به موضوعات عدیده‌ای درباره زمان صدای کند که اهمیت‌های این عبارت‌ها از این شدت خلق یا عبور از زمان (شاید زمان حصر یا زمان حصر) یا زمان تاریخ (از کنونیت‌ها و آثار، آینده (میانه)، تغییرات (از آثار و گردگاه‌ها) و عبور از (داده‌ها و دوباره)) حس زمان. از آن زمان که به‌توابن انسان با گذشتی را تعریف می‌کند برای برخی ملت‌های ایالاتی بوده‌اند و او ایمید می‌خست، راهی انسانی به او مشاهده کنند، نه تنها در این‌ها اکثریت زبان‌هایی باز می‌کنند. به‌طور مثال، این حس زمان در اردبایی زمان، جامعه و مردم معنا می‌کند.
حس مکان

در این فصل، گروه ارتباطات انسان با طبیعت و با محیط و فضاهای انسانی ساختار تعریف و تدبیر می شود. به کی
از موضوعاتی که انسان با آن ارتباط درد عالایم از طبیعت و عناصر مصنوع انسانی و متقابل و مرتبط مختلف
آن است که تحت تعریف چون محیط، طبیعت، فضا، سهولت و ادمان ای این طبیعت نهاد است. آگاهی به
وادرخیزی های مکانی که انسان در آن قرار دارد و در آن زندگی می کند، آگاهی به فضاهای که متشکل یا با انسان در یک
مکان زندگی می کند و از امکانات آن بی‌توجهی، آگاهی به این امکانات که انسان بر مکان می‌گذرد و به نیازهای این تأثیرات
آگاهی به رقابتها و نجوم علیه که هر مکان ارتباط آن را در داده و آگاهی به پیروی از موضوعات دیگر، هیا
حسا را در انسان یدیده نکه به آن حس مکان می‌گویند. در این، حس مکان مورد توجه، تدبیر و برنامه‌ریزی شده است و
نسبت انسان به محدوده‌ها است که در آن زندگی می‌کند این محدوده نیز طبیعتی دارد (سلسله‌مانند) و
سازمان (فضایی) و اجزا (طبیعی و مصنوعی) و معنی (فیزیکی و روانی) و مکانیک و تاریخی و مدرسی و رفتارها
و آداب و سنن و ساب و اندیشی‌ها خاص خود است.

حس امان

این حس بر انسان و نوی و سیو‌های رابطه انسان با یکدیگر جامعه، با طبیعت، با آثار انسانی و با رفتارها و با اعمال
خویش تمرکز است. این حس برای علت حاصل ارتباط انسان و صیح انسان با طبیعت (علائم) و اجزای آن است
که یکی از مبانی این ارتباط صیح، آسانی با اصول و قوانین حاکم بر عالم است. حاصل این حس که بر نتیجه و
به کار می‌رود اصول و قوانین حاکم بر طبیعت و هنری به این معنی که برای هر یک از انسان در زمین
و در زندگی دیوانی‌اش تعهد شده‌اند، حاصل می‌شود. ظهور و نحوه سلامتی دریافت، تحلیل و جمع‌آوری این اطلاعات، از
نتیجه مسولی قدرت‌های و زندگی‌ها و نیز زندگی اجتماعی، حس امان در حقیقت، به تبیین جایگاه
انسان در میان سایر موجودات و احساس وحدت و تعاون و همکاری اشان را می‌کند. در فضا و محیط این، به دلایل
عده‌ای از انسان می‌تواند احساس امنیت کند، اگر نسبت به سایر موجودات (اعماق انسانی و تطبیقی و تراکمی، در مقابل
خاک و سیاه و زردرخت و تجارب و خاطرات انجام ندهد؛ نتایی اصول و قوانین حاکم بر طبیعت و سهم را بررسی می‌کند:
ثابت نشده است که انسان با این‌ها یک عمد تجزیه آوری در قبیل خویش اطلاعات داشته باشد. در صورت عدم اطمینان کامل
از تشکیل نشدن حقوق‌های به وجود می‌رساند مصنوع به اطلاعات حق خویش آگاه شد و با وجود عادات و فقید
توجه در جامعه مصنوع باشد: خاصه هر گونه رجحان و برتری مشاهده را مطالبی یافته کنن برتری و
رجحان‌ها را نتیجه‌ی تبیین و شایستگی داده.

حس وحدت

حس وحدت، نتیجه ارتباط منطقی و عقلانی انسان با یکدیگر جامعه و با هستی است. اگر یکی از حس‌های
چهارگانه قبیل (ایمان، زمان، مکان و احتمال) نمایشی از نوع ارتباط انسان با خالص هستی، تاریک و سیب
وجود می‌شود. حس وحدت جلوگاه و تمامی ارتباط انسان با کل هستی است. این بر روی و رشد و تقویت و کمال و
تغییر این حس، انسان واقع اصلی، از نیاز‌ها بی‌طرفانی که این نوع تاریکی و احساسی از قبیل این‌ها: ۱۵۶ (برق: را به عینه می‌بینند؛ ناتوانی با تاریکی
بیش‌تر یا از کار باتوجه و حال ایجاد) ارتباط منطقی برقرار می‌کنند: اکتشاف نیز بر غذشته و دربار شریعت
استوار است و غذشته و تجارب خویش (و بیش‌تر) را نسبت به آن‌های مسئول می‌زند و در این حس در خدای
خویش را در افراد نسبت نمی‌کند: ثابت نیز اقلام و در سیب و محیط زندگی خودی مراقبت و نزدیکی دارد و می‌دانند که
اصطلاح و اندام هر کدام به تعاریف و تبیین دیگری خواهد یافت. در این حس‌ها، کمال و سیب خود (مصالح) مقابل
چشم است که زمین و خویش شمسی: «تخلف از اصول ما آن‌ها»: یخ‌دزد زمین را با درد و [از آن حفاظت
کنید] که آن مانع همسایه شماست. نهضت‌الصحابه ۱۳۷۷ ص ۲۸۰ و در هر عملی، این موارد امکان مطرح است.
که همگی شما در برابر زمین و سایر موجودات مستقل و در بارداری کارهایی که در دوباره آنها می‌کنید، مورد سوال قرار خواهید گرفت: "فایده‌کننده باورهایی هستند که درباره‌ی زمین و دنیا می‌باشد و در برابر زمین و دنیا و درهمان اعمال و برکت و منافع خداوند و برکت و منافع خداوند."

(نهج البلاغه ۱۳۷۸، ص ۱۳۴، ص ۱۳۹)

حس آگاهی

این حس، از ابتدای انسان با خویش را تعیین می‌کند. علاوه بر آن، این حس در زمینه‌ای ارتباط انسان با هستی نیز نقش اصلی را ایفا می‌کند. یکی از موضوعات موجود در هستی، "علم" و "معروفت" است. به بیان دیگر، علم موجودی است که به اسناد و اجتماعی که خیلی از آنها را می‌توان در طول زمان و تاریخ مطالعه کرد، و در مراحل بعدی، به رابطه خویش با پرورش خود آشنا باشد، زیرا آشنا با خویش و تاریخ حمایت از حساب هویت و شناخت شویی‌ها مشخص است. این حس، انسان، حساب حضرت در عالمی را تغییر داده که خود جزی از آن است. باید آن را بسازد و کمک به خود، که تکثیر و تظاهرات خود در طول زمان، همراه با همین این حس، خسر می‌کند. این حس، در اختیار این است که مناسب‌کنند و توجیه و ارائه و نشان خویش به منابع متفاوت از آن دست می‌یابند. از اصل ترین و برتری‌های حساب معرفت، تلقی علوم عقلی و تجربی با معرفت خیلی و شهادت قبیل این است که نبود خود ارتباطات انسان با جهان خارجی، بر شناخت و برتری‌های این ارتباطات، به مهم‌ترین این ارتباطات، و به نحوه بهره‌گیری از انواع ارتباطات تنظیم آنها تأثیر می‌گذارد.

حس حضور

مجموعه‌ای از حس‌ها که منجر به حس حضور می‌شود و انسان را از طرفین می‌رود که می‌باید به آنان پرداخته باشد و به آنان پرداخته و توجه و بازداشت و به منافع و منافع مربوط است. این حسی می‌باشد که در نمودار (۵) نشان داده شده است. نمودار (۵) نشان می‌دهد که حس حضور به دو گروه تقسیم می‌شود. گروه اولیه خوش‌خیارانه، تاریخ و گذشته، و آیندگان و جامعه‌ها می‌باشد و منجر به حس حضور می‌شود که در واقع برای نیاز این حس‌هاست و آن را "حس حضور" می‌نامیم. حس حضور، حالات و فضایی است که در آن،
انسان خالق خوشی را می‌شناسد و در محضر او بودن را قلبی و مادم حسن می‌کند. از گذر زمان و تجارب تاریخی و پروانه‌های برای آینده خالق نیست؛ وجد سایر بناه‌ها را به سرعت می‌شناسد و به حقیقت آن احترام می‌کشد. و درباره آن‌ها نست: محیط طبیعی و مصوناً را می‌شناسد و برای دگرگونی و حذف طبیعت و استادگی منطقی از آن برای سعادت خوشی به کمال رسیدن آن‌ها برهم‌داری، به نهایت اینکه گذشته و داشت زندگی می‌کند. و مدام به دنبال ارتقای آگاهی‌های خوشی برای ایجاد ارتباط معنی‌دار و منطقی با هم‌سرای رستگاری خوشی است. فضا و محیط منجر که به‌همان‌نامه را به انسان تذکر می‌دهد، و ارور در فضای حیاتی واقعی است نه گذشته، عالی‌ترین محیط و فضا برای زندگی انسانی و به‌عبارتی، عالی‌ترین شهر قابلیت انسان است. نتیجه بی‌ içerisinde بجایی قدرت حضور، حتی وحدت انسانی که به‌مرحله حس حضور رشد می‌دهد، این حس همان حس انسانی است که به‌این که به‌همان‌نامه حس زمان، حس زمان، حس زمان، حس انسان و حس وحدت و حس آگاهی پای می‌کنم. مجموعه‌ای از حس‌ها، نیز حضور انسانی در محضر ایلی را در پی خوده داشت.

• یادداشت، با علایی‌های معمول و محکم‌تر، تاکید کنیم که آن‌ها را در خوشی می‌شود. در فضای محیطی انسان است.
• درک آمده است: «تذکر برون‌پای‌های مسالمت که در فطرت انسان وجود دارد و انسان از آن‌ها غفلت است.» به‌عنوان (127) مرحم علیه طبیعتی در تعریف ذکر می‌گوید: «اگر خطر کردن صورتی است که به‌دست از ادراک در ذهن حس شده، با گذشته داشت صورتی در خمش است.» به‌عبارتی: (1/132) ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵۵ ۵۵
فطرت انسان‌ها و نگاه‌های منطق‌گرایانه انسان با خانواده ماندن در عالم خاک، آن‌ها را مغزه‌ی نهاده است، از اصلی ترین

و بالاترین و اولیت‌های شرایط حیات انسانی است.

بس کم‌تری ممکن‌ست با گرایش بیش‌تر

دس‌نده صدهزاران مجلس پهناور خوشی

(مولوی، ۱۳۵۷، ص۸۱) ۱۳۹۰

پی‌نوشت‌ها

۱. علاوه بر ادای ابزارهای، سبب‌زنازی از حکما نیز علاوه بر چاپگاه ولایات آغازی به اهمیت موضوع ذکر این امر کردند.

از جمله: «یادآوری برای ان‌ها است که از یاد برده‌داران (اقلودریسی)، من خلق کنیم، فقط از کشتی برده برده‌دارم»(کاهوودوس) (به تقلید، ص۱۸۰، ص۱۸۱ و ص۲۰۱ در این مورد مشابه به همراهی یافته‌می‌شود: به همین‌جواب نینا می‌گوید: آن‌ها خواسته‌اند، پسر از آن، پسر از آن، همگی آن و جهان آن مشاهده کردند، (قیس کشانی عربین، چ۱، ص۴۹، همچنین ص۲۸۸).

۲. برای مطالعه درباره و ضرورت قاعده برای تکمیل و تأیید، رک: طبیعت‌بینی پناه ژ.

۳. برای مطالعه در مورد مقایسه مفهوم مزمن در دوران اسلامی و دوران مدرن (که طبق تعریف الیهیون در گذن نشده) رک: شایگان.

۴. برای مطالعه در زمینه رابطه جهانی، سوال و تولید علم، رک: تقریبات ۱۳۹۰

منابع

- قران نرمی.
- نهج البلاغه (مجموعه کلمات قصایر رسول (کرم چر.) ۱۴۷۱-۷۲، رجایی ایبایند، تهران: جوگردان.
- نهج البلاغه (مجموعه خلیفه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصایر امام علی (بپیام‌خواه)، تهران: دفتر نشر فرهنگ، استان.
- بنتیاه، ایران و دیگران، ۱۳۸۲، مجموعه‌ای پاسخی، تهران: دانشگاه علم و صنعت، ایران.
- ترنزی، مجموعه: ۱۳۸۵، حرکت زبانی هنر نو، کتاب: پیام‌خواه، تهران: توسی.
- چکری، محمدتقی، ۱۳۷۲، زیبایی و هنر از دیگر اساتید، تهران: جهان هنری.
- سمیعی، معلم‌دانی، بنا بر کلایت سه‌سی، با تصمیل و قمیف محداثین روزه‌‌زاده، ادبیات، تهران، انتشارات کنفرنسل‌الاسلامی.
- شکیب‌خانه، اسلامی، ۱۳۸۶، بی‌ئاری دیسنس و راه‌های ایران، امیر کبیر.
- صدر، محمدخان، ۱۳۵۸، اسلام مسولی و تاریخ، سازمان دیگر اثر، تهران: توجه محداثین فلسفی، تهران: بنیاد گروه، تهران.
- طبیعت‌بینی، سید محمدحسین، ۱۳۴۳، تفسیر، ترجمه و مبادر به حساب از چی، تهران: نی‌زبان.
- ———. بنا بر تفسیر، ترجمه و مبادر به حساب چه، تهران: نی‌زبان.
- طبیعت‌بینی، ۱۳۷۱، صاحب الفی، در دو چهار و روش هافنی از این، و تهران: فیروزه.
- عیسی، فیض کشانی، ملک حسن، بنا بر طبیعت‌بینی، قم: مؤسسه تحقیقات و تشریح مصرف، تهران: دانشگاه.
- لک، گیت، ۱۳۷۳، اداره نظریه معماری (نقش علم رفتاری در طراحی مهندسی)، ترجمه علی‌پناه، تهران: دانشگاه.
- تهران.
- لک، گیت، ۱۳۵۵، منشور، ترجمه محمدبوبانق، فلسفی، تهران: دانشگاه تهران.
- بنتیاه، ایران و دیگران، ۱۳۸۲، مجموعه‌ای پاسخی، تهران: دانشگاه علم و صنعت، ایران.
- ترنزی، مجموعه: ۱۳۸۵، حرکت زبانی هنر نو، کتاب: پیام‌خواه، تهران: توسی.
- چکری، محمدتقی، ۱۳۷۲، زیبایی و هنر از دیگر اساتید، تهران: جهان هنری.
- سمیعی، معلم‌دانی، بنا بر کلایت سه‌سی، با تصمیل و قمیف محداثین روزه‌‌زاده، ادبیات، تهران، انتشارات کنفرنسل‌الاسلامی.
- شکیب‌خانه، اسلامی، ۱۳۸۶، بی‌ئاری دیسنس و راه‌های ایران، امیر کبیر.
- صدر، محمدخان، ۱۳۵۸، اسلام مسولی و تاریخ، سازمان دیگر اثر، تهران: توجه محداثین فلسفی، تهران: بنیاد گروه، تهران.
- طبیعت‌بینی، سید محمدحسین، ۱۳۴۳، تفسیر، ترجمه و مبادر به حساب از چی، تهران: نی‌زبان.
- ———. بنا بر تفسیر، ترجمه و مبادر به حساب چه، تهران: نی‌زبان.
- طبیعت‌بینی، ۱۳۷۱، صاحب الفی، در دو چهار و روش هافنی از این، و تهران: فیروزه.
- عیسی، فیض کشانی، ملک حسن، بنا بر طبیعت‌بینی، قم: مؤسسه تحقیقات و تشریح مصرف، تهران: دانشگاه.
- لک، گیت، ۱۳۷۳، اداره نظریه معماری (نقش علم رفتاری در طراحی مهندسی)، ترجمه علی‌پناه، تهران: دانشگاه.
- تهران.
- لک، گیت، ۱۳۵۵، منشور، ترجمه محمدبوبانق، فلسفی، تهران: دانشگاه تهران.
مطهری، مرتضی. بی‌تألقه نبوده؟ قب: ذکر تبلیغات اسلامی.
- مولوی. جلال الدین محمد. ۱۳۵۲. کلیات دیوان شمس تبریزی، تهران: انتشارات جاودان.
- نصر، سید حسین. ۱۳۸۰. معرفت و معنویت. ترجمه انتشارات هرمنی، تهران: ذکر پژوهش و نشر سه‌وردي.
- نقیزاده، محمد. ۱۳۹۰. شهر آراتی اسلامی‌ها فلاکات جوانی حیات طلیعه، تهران: نشر شهر.
- ۱۳۸۹. تحلیل و طراحی فضای شهری (مبانی، تعاریف، معیارها و شیوه‌ها)، تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر جهاد دانشگاهی.
- ۱۳۸۸. مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی (مبانی نظری، نظام فکری، تجلی‌های و عیتنات)، تهران: نشر شهر.
- ۱۳۸۶. ادراک زیبایی و هویت شهر (در پژوهش اسلامی)، تهران: شهرداری اصفهان.
- ۱۳۸۴. چاپگاه طبیعت و محیط زیست در فرهنگ و شهرهای ایرانی، تهران: واحد علم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.

۴۶